

# جاحظ

## در

## پژوهش‌های

## خاورشناسان\*

دکتر می‌یوسف

ترجمه: حسین علی‌نقیان

تحقیق، فهرست پژوهش‌ها و بررسی‌های انجام‌یافته آنها را به دست خواهیم داد.

### جاحظ و تحقیقات خاورشناسی

جاحظ از اواخر قرن نوزده و آغاز قرن بیستم میلادی به دنبال کشف آثار وی، مورد توجه پژوهشگران مستشرق و عرب قرار گرفت. جاحظ پژوهان عرب که به بررسی و نگارش درباره وی و آثارش پرداخته‌اند، بسیارند<sup>۱</sup> و تحقیقات آنها همواره تا به امروز، ادامه یافته است. برخی از خاورشناسان نیز به تحقیق و بررسی و نشر آثار جاحظ همت گمارده‌اند. آنها با استخراج دست‌نوشته‌های جاحظ، از انهدام آن جلوگیری کرده و کتاب‌های وی را به دست تصحیح و نشر سپردند و بسیاری از آنها را به زبان‌های خود ترجمه کردند و تحقیقات کاملی را در این راستا از خود بر جای نهادند.

آنچه در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد، بررسی تحقیقات انجام‌یافته درباره سه جنبه از جنبه‌های شخصیتی جاحظ است که در آثار چهار نفر از خاورشناسان، بروز یافته به قرار ذیل:

۱. بررسی جنبه‌های ادبی جاحظ در تحقیقات رشر و شارل پلا؛
۲. بررسی آثار انسان‌شناختی جاحظ در تحقیقات سوزانه اندرویتس؛
۳. بررسی آثار جاحظ در علوم طبیعی در تحقیقات فان فلوتن.

\* این نوشتار ترجمه مقاله‌ای است با مشخصات کتاب‌شناختی ذیل:

- الجاحظ فی کتابات المستشرقین، الدكتور می‌یوسف مجلة ابحاث البرموک (سلسلة الآداب واللغویات)، المجلد ۱۲، العدد ۱، ۱۹۹۴، ص ۹۳-۱۴۳.
۱. از جمله جاحظ پژوهان عرب این افرادند: حسن سندویی، طه جابری، جمیل جبر، انعام جندی، ابراهیم مصطفی، خلیل مردم، ودیعه طه نجم و....

### اشاره

محور این مقاله بررسی تحقیقات انجام‌یافته پیرامون آثار و شخصیت علمی و فردی جاحظ خواهد بود. در این بین، تحقیقات چهار نفر از شرق‌شناسان شامل اسکار رشر، شارل پلا، سوزانه اندرویتس و فان فلوتن جهت بررسی، گزینش شده است. هر یک از این دانشیان، متفاوت با دیگری به پژوهش در جنبه‌های ادبی، انتروبولوژیک و علمی جاحظ پرداخته‌اند که در اینجا به تفصیل آرای آنها نشسته و در پایان هر

منظور از این دست آثار، آثاری است که نشانه‌ها و ویژگی‌های ادبی<sup>۳</sup> در آنها غالب باشد.

اسکار رشر<sup>۴</sup>

خاورشناس آلمانی که سهم وافری در مجال تصحیح و تحقیق آثار و رسایل جاحظ داشته است. بزرگ‌ترین اثر وی (مجموعه گزیده‌هایی از آثار جاحظ) است که برخی از آن به آلمانی نیز ترجمه شده است. به همراه آن، متون اصیلی را که قبلاً منتشر نشده بود در شهر اشتوتگارت به سال ۱۹۳۱ انتشار داد. این مجموعه نادر که در حکم متون مفقود به شمار می‌رفته شامل ۲۹ رساله می‌شود و عنوان آن به آلمانی چنین است:

Excerpte und Übersetzungen aus den Schriften des Philologen und Dogmatikers: Gahiz, aus Basra.

رشر در مقدمه این مجموعه شرح حال دقیقی از جاحظ به دست داده<sup>۵</sup> و در آن به فعالیت‌های فکری و ادبی وی پرداخته است. در آغاز این مقدمه به توصیف وضعیت فرهنگی بصره و بغداد آن دوره نگریسته و اشاره داشته که جاحظ در آن برهه از زمان به لحاظ نوع این نگارش‌ها و حرکت بخشی به احیای تفکر عقلانی، شخصیتی بی‌مانند بوده است.

به دنبال برانگیخته شدن اعجاب رشر از این شخصیت آورده: «شک نیست که در آن زمان هیچ متفکر و یا ادیبی با این وفور فوق‌العاده مواهب یافت نشده که به مانند او دست به خلق چنین آثار شکوهمندی زده باشد چه او در تمامی عرصه‌های اندیشه دست به قلم برده و آرای خود را در عرصه‌های مختلفی چون منطق، ادبیات عامیانه، کلام، سیاست، حیوان‌شناسی و فرقه‌شناسی عرضه داشته است»<sup>۶</sup>.

با وجودی که شخصیت و آثار علمی و ادبی جاحظ اعجاب این مستشرق را برانگیخته اما از ارائه پاره‌ای از نقدها در مورد آثار وی خودداری ننموده است. چنان‌چه آورده: «به جهت فقدان عنصر تنظیم و تبویب در ارائه مطالب و نیز ظهور آشکار شخصیت مؤلف در خلال مطالب، بهره‌مندی از این آثار، تقلیل یافته است». از جهتی رشر اذعان داشته که فقدان موضوعیت مطالب به سبب پرداختن بیش از حد وی به مطالب استطرادی، تألیفات او آن‌طور که انتظار می‌رود مورد استفاده بهینه قرار نخواهند گرفت<sup>۷</sup>...

اما هرچه است اسکار رشر با انتشار این مجموعه، خدمت شایانی را در احیای میراث جاحظی نموده است. علی‌رغم تصریح او در مقدمه به این که «هدف از نشر این مجموعه، هدف

علمی صرف نبوده بلکه این مجموعه را به حساب دار نشر قاهره که هدفش کسب شهرت و درآمد بوده انتشار داده است»<sup>۸</sup>.

چنان‌چه یاد شد، این مجموعه شامل ۲۹ رساله می‌شود که به ترتیب همان کتاب به قرار ذیل اند:

۱. دراسة لمحتویات البیان والتبیین؛ ۲. الرد علی النصاری؛
۳. ذم اخلاق الکتاب؛ ۴. رساله القیان؛ ۵. رساله فی المعلمین؛
۶. فی ذم اللواط؛ ۷. فی مدح النبیز و صفة اصحابه؛ ۸. حجج النبوة؛ ۹. صناعة الکلام؛ ۱۰. الشارب والمشروب؛ ۱۱. استحقاق الامامة؛ ۱۲. الحاسد والمحسود؛ ۱۳. تفضیل النطق علی الصمت؛ ۱۴. مدح التجارة و ذم عمل السلطان؛ ۱۵. العشق والنساء؛ ۱۶. الرکاء؛ ۱۷. فی استنجاز الوعد؛ ۱۸. مذاهب

۲. شارل پلامعتقد است که جاحظ غالباً نویسنده‌ای ادیب بوده حتی کتابش الحیوان، اثری است ادبی. ر. ک: El, Vol. II, P. 287.

۳. درباره جنبه‌های ادبی جاحظ و به ویژه نشر او از جمله ر. ک: زندگی و آثار جاحظ، ذکاتوی قراگزلو، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۴۵ به بعد و نیز: ادب المعتزله الی نهاية القرن الرابع الهجری، عبدالحکیم بلبع، مطبعة الرسالة، القاهرة، ص ۶۱-۶۱؛ و نیز: الثرافنی و اثر الجاحظ، عبدالحکیم بلبع، نشر مکتبة الانجلو المصریه، القاهرة، ۱۹۵۵م؛ و نیز: الاساس فی تاریخ الادب العربی، محمد بهجة الاثری، مصطفی جواد، کمال ابراهیم، شركة النشر والطبع العراقیة المحدودة، الطبعة الاولى، بغداد ۱۹۵۴، ص ۱۱۳-۱۱۹؛ و نیز: تطور الاسالیب النثریة، انیس المقدسی، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۶۵، ص ۱۶۸-۱۸۶؛ و نیز: الفن ومذاهبه فی الثرافنی العربی، الدكتور شوقی ضیف، مکتبة الاندلس، بیروت، لبنان، الطبعة الثانية، ۱۹۵۶، ص ۹۴-۱۲۲. (مترجم)

۴. اسکار رشر که به عثمان خوانده شده تسلیم آیین مسلمانی شد: ر. ک: المستشرقون الالمان، صلاح الدین المنجد، ص ۸، و برای شرح حال او ر. ک: المستشرقون، نجیب العقیقی، ج ۲، ص ۷۹۱.

۵. رشر به برخی از منابعی که از آن در شرح حال جاحظ بهره برده اشاره کرده از جمله: وفيات الاهیان، معجم الادباء، المنتظم لابن الجوزی، تاریخ الدیمی، المعتزله از ابن المرتضی، تاریخ ابي الهذاه، تأویل مختلف الحدیث لابن قتیبة، تاریخ ابن حجر المسقلائی، الفرق بین الفرق لعبد القاهر الجرجانی.

[در مورد شرح حال جاحظ در آثار قدما ر. ک: روضة الیاسمین فیمن ترجم للمجاهد من الاقدمین، عدنان محمد الطعمه، مجلة المورد، المجلد السابع، العدد الرابع، ۱۳۹۹هـ/ ۱۹۷۸، ص ۷۲-۱۳۲. (مترجم)]

۶. رشر، مقدمه، ص ۱۱.

۷. رشر، ص ۸.

۸. همان، ص ۲۰.

پرداخته است. هدف از نگارش این کتاب، چنانچه خود اشاره داشته: «بررسی نضج و تکوین عقلی و ادبی جاحظ در مرحله آغازین زندگانی و نشأت وی در شهر بصره بوده است»<sup>۱۵</sup>.

شهر بصره در منظر پلا «گویی دارای یک شخصیت زنده مستقلی است که با خود محیط اطراف خود در تعاملی مؤثر بوده است. جاحظ در این بین، دارای شخصیتی قوی بوده و تأثیر گذار و تأثیر پذیر از آن محیط، بوده است».

جز این پلا معتقد است که حیات جاحظ - علی رغم وضوح آن و کثرت نگارش ها و تحقیقات جاحظی - همواره هاله ای از غموض و ابهام آن را در بر گرفته است. لذا در راستای برطرف ساختن غموض شخصیتی جاحظ و تتبع در دگرگونی تفکر وی، چاره ای جز مرتب کردن زمانی آثار او نخواهد بود.<sup>۱۶</sup>

کتاب (جاحظ در بصره) اثر پلا، بر شش فصل سامان یافته: در فصل اول به بررسی شهر بصره در قرون اول و دوم هجری و تکوین حیات معیشتی و اختلاط و درهم آمیختگی به وجود

الشیعة؛ ۱۹. طبقات المغنین؛ ۲۰. محتویات فضائل الترك؛ ۲۱. فخر السودان؛ ۲۲. التریع والتدویر؛ ۲۳. تهذیب الاخلاق؛ ۲۴. قطعة من البخلاء؛ ۲۵. الحنین الی الاوطان؛ ۲۶. فی ذم القواد؛ ۲۷. المحجاب و ذمه؛ ۲۸. فی وصف العوام؛ ۲۹. الاخبار. اسکار رشر علاوه بر کتاب / مجموعه اشاره شده، کار دیگری را نیز به انجام رسانیده و آن ترجمه کتاب المحاسن و المساوی<sup>۹</sup> منسوب به جاحظ است. این کتاب را وی در دو مرحله به آلمانی برگردان نموده؛ قسمت اول را در سال ۱۹۲۲ در اشتوتگارت و قسمت دوم را در استانبول به سال ۱۹۲۶ م.

#### شارل پلا

او بلاشک پرکارترین خاورشناسان در زمینه ادبیات جاحظ و موثق ترین مرجع و فعال ترین ناشر کتاب ها و رسائل جاحظ بوده و بیشترین تحقیقات را در این زمینه از خود بر جای نهاده است. او جاحظ را در تحقیقات خود، به عنوان دوست خود خطاب کرده و این به جهت شدت ارتباط و همدلی او و آثار جاحظ بوده است.<sup>۱۰</sup> خواننده کارهای پلا، درخواهد یافت که وی در جاحظ پژوهی، سه روی کرد کلی داشته است:

روی کرد اول که در کتابش (جاحظ در بصره) که به منظور بررسی محیط فرهنگی و اجتماعی بصره نگاشته، نمایان است. وی در این کتاب بر خود آثار جاحظ و نیز برخی مطالب پراکنده از کتب قدما، تکیه کرده است.

روی کرد دوم که در تصحیح دست نوشته های جاحظ و ترجمه برخی آثار وی به فرانسه که به منظور «مساعدت در درک شخصیت جاحظ»<sup>۱۱</sup> نگاشته، پدیدار شده است.

روی کرد سوم در مقاله ها و تحقیقاتی که پلا حول موضوعات گوناگون موجود در آثار جاحظ به عمل آورده، نمایانگر است. وی در این بررسی ها، آرای جاحظ در موضوعاتی چون امامت، خوارج و نصارا را به تعریف و نقد نشسته است.<sup>۱۲</sup> آغاز جاحظ پژوهی پلا از دهه پنجاه با نگارش کتاب *Le milieu Basrien et La Formation de Gahiz*<sup>۱۳</sup> بوده است.

این کتاب مهم ترین اثر پلا است<sup>۱۴</sup> زیرا در آن به بررسی مرحله ای حساس از مراحل سیاسی، فکری و اجتماعی دولت های اسلامی

۹. کتاب المحاسن و المساوی را فلوتن با عنوان المحاسن والاشداد در لیدن هلند به سال ۱۸۹۸ تصحیح کرده و منتشر ساخته است.

۱۰. ر. ک: شارل پلا: *Varations sur la Theme de l'adab*, P.19.

۱۱. جاحظ در بصره، ص ۳۷۶.

۱۲. ر. ک: آثار پلا در همین مقاله.

۱۳. این کتاب را ابراهیم کیلانی در سال ۱۹۶۱ با عنوان *العناظ فی البصره* ترجمه کرده است حال آن که ترجمه دقیق آن: *تأثیر بصره در تکوین جاحظ* است. [پیرامون نقد این ترجمه ر. ک: *ترجمه مصادر الجاحظ* (تعقیب علی ترجمه کیلانی) لکتاب المستشرق پلا (عن الجاحظ) الدكتور علی جواد الظاهر، مجلة المورد، المجلد ۴، العدد ۲، ۱۹۷۵، ص ۲۶۷-۲۶۹ (مترجم).]

۱۴. درباره نقد و معرفی کتاب *جاحظ در بصره* پلا همچنین ر. ک: *تعلیق هلی کتاب الجاحظ لشارل بلات، شفیق جبری، مجلة مجمع اللغة العربیة بدمشق، المجلد ۳۶، ۱۹۶۱، ص ۳۱۰-۳۱۵*؛ نیز: *کتاب الجاحظ لشارل بلات (عرض و تحلیل) خلیل الهنداوی، مجلة المعرفة السوریة، العدد ۸ (نشریه الاول ۱۹۶۲)، ص ۱۲۶-۱۲۹*. (مترجم)

۱۵. ر. ک: *خلیل الهنداوی، همان، ص ۱۲۶*؛ *شفیق جبری، همان، ص ۳۱۰-۳۱۵*. (مترجم)

۱۶. *طه الحاجری - جاحظ شناس بزرگ عرب - در کتاب الجاحظ، حیاته و آثاره، آثار وی را به ترتیب تاریخی دسته بندی کرده است:*

الف. آثار دوره اول بصری؛

ب. آثار دوره اول بغدادی تا مرگ مأمون (۲۱۸ق)؛

ج. آثار دوره دوم بغدادی تا مرگ واثق خلیفه (۲۳۲ق)؛

د. آثار دوره سوم بغدادی تا مقتول شدن متوکل (۲۴۷ق)؛

هـ. آثار اخیر جاحظ تا سال مرگش (۲۵۵ق).

و پس از این دسته بندی به تحلیل و شرح هر یک از آثار جاحظ در دوره های مورد اشاره می پردازد. ر. ک: *ذکاتوی قراگزلو، همان، ص ۸۱ به بعد*. (مترجم)

آمده در آن شهر، پرداخته است؛ فصل دوم شامل بررسی حضور جاحظ در بصره بوده و در فصل سوم نیز به بررسی مرکزیت دینی تسنن در این شهر پرداخته است. در فصل چهارم مؤلف به بررسی مرکزیت ادبی بصره پرداخته و در فصل پنجم مرکزیت سیاسی دینی آن مورد توجه و تحقیق قرار گرفته است. مرکزیت اجتماعی شهر بصره نیز در فصل ششم بررسی شده است ...

در کنار این کتاب، پلاکارهای متعدّد دیگری را نیز نگاشته که معظم آن حول محورهای یاد شده در آن کتاب می چرخد:

۱. زندگانی و آثار جاحظ؛ (ترجمه شده به انگلیسی و آلمانی از فرانسه)؛<sup>۱۷</sup>
۲. جاحظ در:
۳. جاحظ در بغداد و سامرا (ترجمه شده در ضمن کتاب جاحظ در بصره)؛
۴. اصالت جاحظ (که به کتاب مذکور الحاق شده است).

#### شخصیت جاحظ در نوشته های شارل پلا

پلا معتقد است که جاحظ دارای شخصیت بی مانندی است که دومی ندارد. «نویسندگان معاصرو وی و حتی پس از او، هیچ یک به مانند او نبوده و نیستند و تمامی تحلیلاتی که برای یافتن وجه شباهت بین جاحظ و دیگران به کار می رود، پایانش شکست حتمی را در پی خواهد داشت چرا که وجوه اختلاف زیاد، قوی ترین وجوه همانندی را از بین خواهند برد»<sup>۱۸</sup>.

پلا، پس از سال ها تلاش و کار بر روی آثار جاحظ و نزدیکی و الفت با افکار و آرای وی به این اعتقاد رسیده است. اما به هر روی خود را مسئول ترسیم خطوطی از ویژگی ها و خصوصیات «این مرد جذاب»<sup>۱۹</sup> می داند. ولی هر بار که در آثار قدما در پی سندی یا اطلاعات صادقی می رود، احساس می کند که با شکستی بزرگ مواجه می شود. چه چیزی جز برخی اخبار و معلومات نادر که از مورخین ادب باقی مانده نمی یابد. و لذا در پی عدم رضایت، به آثار جاحظ رجوع کرده تا بلکه اشاراتی را دریابد.

بسیاری از مورخین ادبیات، آرائی را درباره جاحظ بنیان نهاده و برای هم نقل کرده اند و همگی در این اتفاق کردند که «جاحظ دارای شخصیتی هزلی و مضحک بوده است و به او ویژگی اسطوره ای داده و حکایات و نوادری مضحک را به وی منتسب کرده و بلکه آنها را از زبان خود جاحظ روایت کرده اند»<sup>۲۰</sup>.

پلا این نظر را با واقعیت مطابق ندانسته و بل آن را به تمام مردود

اعلام می کند. به این استناد که این نوادر و حکایات در کتب وزین و نیز در خود آثار جاحظ نیامده است به علاوه خود جاحظ در ارائه موضوعات، جدی و با آن در تعامل بوده است. در این راستا پلا در مورد نوادری که در رساله المعلمین به جاحظ منسوب شده اشاره می کند و ادعای مورخان ادبی را در این که رساله المعلمین دارای چنین نوادر مضحکی بوده، رد می کند. پلا فراتر از آن معتقد است که جاحظ در پاره ای اوقات، به معلمی روی آورده و این به جهت نصایحی است که در آن رساله به معلمان گوشزد کرده است و این نصایح بیانگر این مطلب اند که وی در تجارب شخصی خود در میدان تعلیم آنها را کسب کرده است.<sup>۲۱</sup> به نظر پلا، «بایسته است که این جنبه غلط انداز و مضحک، از چهره جاحظ زدوده شود»<sup>۲۲</sup>. آن چه از این هزلیات مضحک در آثارش است نیز جنبه ارشادی داشته و خارج از خط حیا نبوده است.<sup>۲۳</sup>

عناصر دیگری که موجب اعجاب پلا شده، بینش و فرهنگی است که جاحظ از محیط بصره اخذ کرده است که مهم ترین آن تنوع زیاد موضوعی در آثار وی و ابداع نوعی خاص از ادبیات آن زمان بوده است. با وجودی که اسباب و لوازم نگارش در علوم مختلف آن چنان برای او فراهم نبوده است در نتیجه پلا معتقد است که منشأ همه اینها، مواهب ذاتی جاحظ بوده که از عهد صغر در او نمایان بوده است.<sup>۲۴</sup> وی هم چنین کثرت نگارش هایی که صبغه ادبی داشته را در ادبیات عربی، بی مانند دانسته است و

۱۷. ترجمه کتاب زندگانی و آثار جاحظ از پلا به زبان آلمانی با این عنوان به چاپ رسیده است:

Arabishe Geisteswelt, Ausgewählte und übersetzte Texte Von al-Gahiz. (Zürich, 1967).

۱۸. جاحظ در بصره، همان، ص ۸.  
 ۱۹. جاحظ در بغداد و سامرا، ص ۳۷۴.  
 ۲۰. جاحظ در بصره، همان، ص ۱۰۳.  
 ۲۱. همان، ص ۳۶۱.  
 ۲۲. همان، ص ۱۰۰.  
 ۲۳. همان.  
 ۲۴. ر. ک: مقاله شارل پلا:

Seriousness and Humor in Early Islamic studies, II/3 (Karachi, 1963).

تلائم و ارتباطی وجود ندارد<sup>۲۹</sup>. بر این اساس پلا معتقد است که پیش‌ترین آثار جاحظ، روی کرد سیاسی داشته و بیان‌گر اشتغال جاحظ به نیروی دستگاه سیاسی آن روزگار بوده است و بلکه جاحظ خود را وقف دفاع از آن نظام در بیشترین آثار خود کرده است.<sup>۳۰</sup> و به جهت قدرت بی‌مانند ادبی «رژیم توانست او را به عنوان اشاعه‌دهنده آرای دینی آن زمان و مواضع سیاسی آنها و مروّج عقاید معتزله - که دیوان خلیفه آن زمان آن را رسماً پایه‌گذاری کرده بود - به کار گیرد»<sup>۳۱</sup>. پلا در این زمینه به جواز و هدایای ارزشمندی که جاحظ در قبال نگارش آثارش دریافت کرده استدلال می‌کند چه این آثار در زمانی نگاشته شده که نثرنویسی بر شعرسرای غالب نبوده است. و نگارش آنها توسط

۲۵. برای تفصیل بیشتر درباره فهرست موضوعی آثار جاحظ ر. ک: ذکاوتی قراقرلو، ص ۷۳ به بعد. (مترجم)

۲۶. جاحظ در بغداد و سامرا، همان، ص ۳۸۲. نیز: زندگی و آثار جاحظ، همان و نیز: El, Vol. II, P. 386, P. 14-27.

۲۷. ر. ک: The Cambridge History, P. 73. ز پلا و نیز پلا: Variations sur la Theme de l'adab, P. 23 در این اثر، پلا در مورد مفاهیمی که از کلمه ادب در آثار جاحظ برداشته می‌شده به بحث و مناقشه پرداخته است.

۲۸. درباره ادبیات جاحظ و دیدگاه نقدی وی از جمله ر. ک: ادب الجاحظ، حسن السنودی، المطبعة الرحمانية، القاهرة، ۱۹۳۱؛ و نیز: الفن و مذاهبه فی النثر العربی، همان، ص ۱۵۴-۱۷۷؛ و نیز: الرائد فی الادب العربی، عمرانیس الطباع، بیروت، ص ۱۰۶-۱۲۶؛ و نیز: النموذج فی البحث الادبی، عمرانیس الطباع، بیروت، ۱۹۸۵، ص ۳۸-۱۰۴؛ و نیز: دواسات فی الادب العباسی، الدكتور سرحان عبدالسلام، مكتبة الخانجي، القاهرة، ص ۴۶۰-۴۷۹؛ و نیز: مع الجاحظ فی حياته وادبه، عبداللطيف نوري عبدالملك، مجلة الادب البيروتيه، كانون الاول ۱۹۴۶، ص ۸-۱۰؛ و نیز: النقد الادبی فی بیان الجاحظ، الدكتور احمد نصيف الجنایي، مجلة الاقلام البغدادية، السنة ۳، الجزء ۱۱ (نومبر ۱۹۶۷)، ص ۹۳-۱۰۲؛ و نیز: تاريخ النقد العربی من الجاهلية حتى القرن الثالث الهجري، داود سلوم، بغداد ۱۹۶۹، ص ۱۹۴-۱۹۸؛ و نیز: النقد المنهجي عند الجاحظ، داود سلوم، بغداد، مطبعة المعارف، ۱۹۹۰؛ و نیز: المقایس الاسلوبية فی النقد الادبی من خلال البيان والتبيين للجاحظ، الدكتور عبدالسلام المسدي، مجلة حوليات الجامعة التونسية، العدد ۱۳، ص ۱۳۷-۱۸۱؛ و نیز: الجاحظ و النقد الادبی، الدكتور علی جواد الطاهر، مجلة المورد، المجلد السابع، العدد الرابع، ۱۳۹۹هـ/ ۱۹۷۸، ص ۵۱-۵۷. (مترجم)

۲۹. جاحظ در بصره، ص ۱۶.

۳۰. درباره مقوله جاحظ و سیاست از جمله ر. ک: الجاحظ و السياسة، سعيد الافغانی، مجلة الثقافة القاهرة، العدد ۱۵؛ و نیز: عصر الجاحظ، السیاسی، محمد عبدالمنعم الخفاجی، مجلة المعرفة السورية، العدد ۳۶ (شباط ۱۹۶۵)؛ و نیز: الجاحظ فی البلاد العباسی، الدكتور ودیعة طه النجم، مجلة المعلم الجديد، البغدادية، نيسان ۱۹۵۹؛ ص ۳۲-۴۲. (مترجم)

۳۱. ر. ک: پلا، زندگی و آثار جاحظ، همان؛ El, Vol. II, P. 386.

در این که وی در زمانی که مواد نگارش، بسیار اهمیت داشته، آنها را خلق کرده اظهار شگفتی می‌کند ...

### دیدگاه پلا در مورد برخی از تالیفات جاحظ

پلا آثار جاحظ را به سه دسته تقسیم‌بندی کرده به قرار ذیل:

دسته اول کتاب‌هایی که دارای موضوعات دینی و شبه سیاسی هستند. ۲۵ این آثار نادر «که دست حوادث آنها را از بین برد و اهل سنت نیز پس از غلبه بر معتزله بر اتلاف آن کمک نمودند»<sup>۲۶</sup> از آن جز برخی اجزای پراکنده و کوچک شامل تعدادی رساله در فضیلت علم کلام و معتزله باقی نماند.

در این دسته، رساله العثمانیة و رساله فی الثابتة و کتاب تصویب علی فی تحکیم الحکمین قرار می‌گیرند.

دسته دوم شامل آثاری می‌شود که آمیخته‌ای از علم و ادبیات باشند. این دست آثار را پلا در جایی دیگر با عنوان ادبیات ویژه جاحظ<sup>۲۷</sup> وصف کرده است. آثاری که به اعتقاد پلا، دارای اصالت بوده و در آن قدرت فوق‌العاده جاحظ به عنوان یک نویسنده و متفکر بزرگ به منصفه ظهور رسیده است.<sup>۲۸</sup> در این دسته آثاری چون کتاب الحیوان، القول فی البغال، البیان و التبیین، البخلاء و رساله التزییع و التذویر، قرار می‌گیرند.

دسته سوم شامل رسائل ادبی نگاشته شده به روش پیشینیان یا همان ادبیات کلاسیک است که در این دسته معظم رساله‌های جاحظ شامل آن می‌شود.

پلا بارها تأکید داشته که می‌بایست لیستی از آثار جاحظ به ترتیب زمان تألیف آنها فراهم آید تا محقق بتواند از قبل آن، بین حوادث و تالیفات دارای صبغه سیاسی و دینی، ارتباط ایجاد کند و در تفسیر پاره‌ای تناقضات در عناوین برخی از رسائل جاحظ همچو: رساله فی مدح الكتاب و رساله فی ذم الكتاب، او را یاری دهد. چه بیشترین آثار جاحظ - چنانچه هر خواننده از آن برداشت می‌کند - مشروط و مسبوق به حوادثی که دارای ویژگی‌های گوناگون بوده، می‌شود. و این سیاهه زمانی چه بسا بتواند در توضیح این آشفتگی‌ها به خواننده مساعدت کند. این بدان است که موضوعات در آثار جاحظ «در سیاقی آمده که بین اجزای آن و احادیث و استشادات و ملاحظات و آراء، تناسب و

جاحظ - بنا به تعبیر پلا - وسیله ای جز دریافت پاداش<sup>۳۲</sup> در ازای خدمات «شبه حکومتی یا طبقه ای»<sup>۳۳</sup> نبوده است. اضافه بر این، بسیاری از رسائل جاحظ با عباراتی چون «سألتنی عن کذا... و انا اجیبک...» آغاز می شود یعنی در بسیاری از جاها، سوالات بر وی ارائه می شده و جاحظ پاسخ آن را مکتوب ارائه می داده است.<sup>۳۴</sup> حتی کتاب فخر السودان علی البیضان و مناظره خروس و سگ هم از انگیزه های سیاسی خالی نبوده است چرا که آن صرفاً یک گفت و گوی ادبی نبوده است. لذا پلا دور نمی بیند که جاحظ نقش یک مستشار و مدافع حکومتی را در آن برهه، بازی کرده است.

### کتاب «الحيوان»

ملاحظات مهمی که پلا در تعلیقات خود بر کتاب الحيوان جاحظ ارائه داده بدین قرارند:

۱. کتاب الحيوان، کتابی است که در بررسی هستی شناسی حیوان حایز اهمیت است؛

۲. جاحظ در این اثر متمایل بوده که موضوع را در شکل هایی متعدد، ارائه دهد و نسبتاً به همگونی مطالب و ارائه تخصصی آن، عنایت داشته<sup>۳۵</sup>؛

۳. نظریه هایی که در باب اجنه (جن ها) در این کتاب آمده دارای اهمیت ویژه ای بوده خاصه نظریه تطور و تکامل انواع؛

۴. تأثیر روانی آب و هوا بر حیوانات که تا قرن نوزدهم میلادی مشهور نشده بود. از دیدگاه پلا تقسیم بندی حیوانات در این کتاب، نتیجه تحقیقات دقیق جاحظ بوده است. او با این کتاب، نگارش کتاب منسوب به ارسطو طاليس را منکر می شود.<sup>۳۶</sup> پلا هم چنین کثرت مثال ها در این کتاب را، پشتوانه ای در مجادله جاحظ دانسته و معتقد است که اهمیت این مثال ها صرفاً برای توصیف طبایع حیوان نبوده بلکه در تحلیل روان شناختی انسان - به جهت وجود مشابهت ها در ویژگی های انسان و حیوان - نیز حایز اهمیتند.<sup>۳۷</sup>

پلا، کتاب الحيوان را سرآمد تألیفات جاحظ دانسته<sup>۳۸</sup> زیرا علاوه بر معلوماتی که در پیش روی خواننده قرار می دهد، اطلاعات و افری را که خاورشناسان احیاناً از زنادقه و دهریون اخذ کرده اند نیز القا کرده است.<sup>۳۹</sup> پلا جاحظ را بدون شک، در میان گذشتگان، معاصران و آیندگان وی در پی ریزی علم جدیدی به نام حیوان شناسی، یگانه و بی مانند دانسته است.<sup>۴۰</sup> اما پلا پس از مدتی اذعان می دارد که «الحيوان، کتابی ادبی با ویژگی های دینی بوده است و نه کتابی علمی و طبیعی. و سراسر آشفته و بی نظم است<sup>۴۱</sup>». و

این مطلبی است که با گفته های قبل پلا در تناقض است.

### شارل پلا و هزل جاحظ<sup>۴۲</sup>

پلا پدیده هزل در آثار جاحظ را در خلال گفتاری درباره کتاب

۳۲. برای تفصیل بیشتر ر. ک: زندگی و آثار جاحظ، ذکاوتی قراگزلو، ص ۲۵-۲۶. (مترجم)

۳۳. پلا: جاحظ در بغداد در سامرا، ص ۳۶۲ (ضمن کتاب جاحظ در بصره).

۳۴. ر. ک: پلا، El, Vol. II, P. 385.

۳۵. ر. ک: شارل پلا، Variations sur la Theme de l'adab, P. 31.

۳۶. دکتر ودیعه طه نجم دو دلیل را برای تجاهل جاحظ نسبت به تألیف مذکور ارسطو بیان داشته است. ر. ک: مقولات الجاحظ عن ارسطو، ص ۲۵.

[البته ردیات بسیار جاحظ در کتاب الحيوان بر مقولات ارسطو، دلیل بر تجاهل جاحظ از تصنیف ارسطو و عدم بهره مندی از آن توسط جاحظ نمی باشد. ر. ک: الحيوان عند الجاحظ، احمد عبد زیدان، مجلة المورد، المجلد السابع، العدد الرابع، ۱۹۷۸ م، ص ۶۱ به بعد. (مترجم)]

۳۷. ر. ک: پلا، El, Vol. II, P. 386.

۳۸. درباره کتاب الحيوان جاحظ و مصادر و مآخذ آن از جمله ر. ک: زندگی

و آثار جاحظ، ذکاوتی قراگزلو، همان، ص ۹۹-۱۰۰؛ و نیز: الجاحظ، کتاب الحيوان (دراسة)، فواد افرام البستانی، سلسلة الروائع، ش ۱۸، المطبعة الكاتوليكية، بيروت، ۱۹۵۵؛ و نیز: کتاب الحيوان للجاحظ (عرض و تحليل)، احمد حماد الحسيني، سلسلة تراث الانسانية، المجلد الثاني، ۲۲۷-۲۲۵؛ و نیز: تعريف بمصطلحات كتاب الحيوان للجاحظ، الدكتور مصطفى الشهابي، مجلة المجمع العلمي العربي، دمشق، مجلد سنة ۱۹۳۱، ص ۵۰۱ و مجلة المشرق، المجلد ۲۹، ص ۶۲۸؛ و نیز: کتاب الحيوان للجاحظ (سخنرانی خاورشناس پل کراوس)، مندرج در مجلة الرسالة، العدد ۱۹۳ (۱۹۳۷)؛ و نیز: کتاب الحيوان للجاحظ انستاتس ماری الکرملی، مجلة المقتطف، المجلد ۱۰۴، ص ۴۹۰-۴۹۶ و المجلد ۱۰۵، ص ۸۴-۱۸۱. (مترجم)

۳۹. پلا، جاحظ در بصره، ص ۲۰-۲۱.

۴۰. الجاحظ، القول في البغال، تحقيق شارل بيلا، مقدمة تصحيح، ص ۶.

۴۱. ر. ک: El, Vol. III, P. 312.

۴۲. درباره تهکم (/ شوخ طبعی / خوش مزه گی) و هزل جاحظ از جمله ر. ک:

زندگی و آثار جاحظ، ذکاوتی قراگزلو، همان، ص ۳۶-۳۷؛ و نیز: دهابة الجاحظ، مصطفى ابراهيم، مجلة الرسالة القاهرية، العدد ۱۹۳، ۱۹۳۷، ص ۴۳۶؛ و نیز: الجاحظ معلم الفکاها، الدكتور زکی کمال احمد، مجلة الهلال، اغسطس، ۱۹۶۶، ص ۸۴-۹۷؛ و نیز: تهکم الجاحظ، الدكتور شفيق جيري، مجلة المجمع العلمي العربي، المجلد ۱۲، ص ۴۰-۵۱؛ و نیز: دهابة الجاحظ، محمد فهمي عبد اللطيف، مجلة الرسالة، الاعداد ۱۸۸، ۱۹۸، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۵ (۱۹۳۷). (مترجم)



۲. رسالة الى شخصية عباسية مجهولة؛ بيروت، مجله المشرق، مجلد ۴۷، ۱۹۵۳.
۳. فی الرد علی المشبهة؛ بيروت، مجله المشرق، مجلد ۴۷، ۱۹۵۳.
۴. فی نفی التشبيه؛ بيروت، مجله المشرق، مجلد ۴۷، ۱۹۵۳.
۵. التاج فی اخلاق الملوك؛ پاریس، سال ۱۹۵۴.
۶. كتاب التبصر بالتجارة (منسوب به جاحظ)؛ لیدن [هلند] ۱۹۵۴.
۷. رسالة التزییع و التدویر؛ دمشق المعهد الفرنسي للدراسات العربية، ۱۹۵۵.
۸. لعبة ادبية؛ منسوبة للجاحظ؛ بيروت، مجله المشرق، ۱۹۵۶.
۹. ذم العلوم و مدحها؛ بيروت، مجله المشرق، مجلد ۵۰، ۱۹۵۶.
۱۰. القول فی البغال؛ قاهره، ۱۹۵۷.
۱۱. المفخرة بين الجوارى والغلمان؛ بيروت، ۱۹۷۵.
۱۲. فی الحكمين و تصویب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و فعله؛ بيروت، مجله المشرق، مجلد ۵۲، شماره ۴-۵، ۱۹۵۲.
۱۳. متنی دیگر منسوب به جاحظ در Mass, Melanges, d orientatisme, Tehran, 1963، تهران، ۱۹۶۳.
۱۴. النبل والتنبل و ذم الكبير Arabic, Revued Etudes Arabes, 1967.
۱۵. فی المسائل والجوابات و در ضمن آن رساله: من رده علی ابی اسحق النظام و اشباهه را به چاپ رسانید. تحت عنوان: بقایا کتاب هام للجاحظ (باقی مانده های کتابی مهم از جاحظ)، بيروت، مجله المشرق، مجلد ۶۳، ج ۳، ۱۹۶۹.
۱۶. تفصیل البطن علی الظهر، تونس مجله حولية الجامعة التونسية، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۱۳، ۱۹۷۶.

#### دوم. ترجمه ها به فرانسه

۱. البخلاء، پاریس، ۱۹۵۱.
۲. صفحات برگزیده از کلام جاحظ، پاریس، ۱۹۵۱.

۳۳. ر. ک: مقاله شارل پلا: P.360 Seriousness and Humor in Early Islam.
۳۴. ر. ک: مقاله شارل پلا: P.24 Variations sur la Theme de l'adab.
۳۵. ر. ک: پلا: جاحظ، در: The Cambridge History of Arabic Literature, P.22.
۳۶. همان، ص ۹۲.
۳۷. پلا: اصالت جاحظ، ص ۳۸۹ (در ضمن کتاب جاحظ در بصره).
۳۸. همان، ص ۳۸۹.

البخلاء و رساله التزییع و التدویر و در خلال اشاراتی که در مقاله اش با عنوان *Seriousness and Humour in Early Islam* آمده بررسی کرده است. پلا، جاحظ را طایفه دار شیوه در آمیختن جد با هزل دانسته و او را اول کسی می داند که بذله گوئی و خنده را با هدف اخلاقی، به کار برده است. ۳۳ وی شیوه بذله گوئی و طنز جاحظ را ریشه در تمایل وی در غلبه بر خستگی ناشی از ارائه فقرات علمی آثارش دانسته است. ۳۴ به عنوان مثال کتاب *البخلاء* جاحظ، که به تحلیل بخل و بخلاء می پردازد، در ادب عربی مانند ندارد زیرا وی در این اثر توانسته با شیوه های هزلی به این موضوع پردازد و از چارچوبه های اخلاقی خارج نشود. به نظر پلا، جاحظ در این کتاب از دریچه اخلاق به مباحث روان شناختی پرداخته و توانسته است که اندیشه تحلیل ادبیات حرفه ای را پایه ریزی نماید. ۳۵ پلا شخصیت جاحظ را در *البخلاء* به بیکن و دی لامبرت، نزدیک و شبیه هم دانسته است. ۳۶

شارل پلا نسبت به رساله التزییع و التدویر جاحظ، اظهار شگفتی عجیبی می کند و آن را با تب و تاب خاصی، تمجید کرده و مدرک معتبری برای کثرت اطلاعات جاحظ بر شمرده است. پلا آورده: «اگر چنانچه جاحظ فقط همین کتاب را برای ما باقی گذاشته بود باز هم استحقاق امتنان عرب و اعجاب عرب شناسان را می داشت». ۳۷

پلا به دنبال این تمجیدات، بلافاصله جمله ای آورده مبنی بر این که جاحظ در حل بسیاری از مسائلی که در اندیشه می کرده، ناتوان مانده است و در مورد برخی از آن مسائل، راهکارهایی که با شریعت و داده های قرآن و سنت همخوانی داشته ارائه کرده است. اما هر چه هست پلا تهکم و هزل جاحظ در رساله التزییع و التدویر را تهکمی ظریف و مستمر دانسته و این رساله و کتاب *البخلاء* را به هزلیات مولیر شبیه دانسته است ۳۸ ...

#### سهم شارل پلا در غنی سازی کتابخانه جاحظی

##### اول. تصحیحات و نشر

۱. صفحات برگزیده از کلام ابو عثمان جاحظ؛ شامل گلچینی از سخنان جاحظ در *البخلاء* و *البيان والتبيين* و *الحيوان* که در سال ۱۹۴۹م در پاریس به چاپ رسید و در سال ۱۹۵۱ آن را به فرانسه ترجمه کرد.

۳. فی النائبة، در: Annale de L'institut d'Etudes Orientales, Algiers, 1952.

۴. التبصر بالتجارة 1954, Arabica.

۵. التاج فی اخلاق الملوك، پاریس، ۱۹۵۴.

۶. فی ذم الكتاب 2-1-1956, Hesperis.

۷. گزیده‌هایی از آثار جاحظ که به فرانسه ترجمه کرده و با مقدمه مفصلی در زندگانی و آثار جاحظ در سال ۱۹۶۷ به چاپ رسانیده است.

ترجمه این کتاب به آلمانی در سال ۱۹۶۷ با این عنوان نیز به انجام رسید:

Arabische Geisteswelt-Ausgewählte übersetzte Texte, Von al-Gahiz, Artem Verlag Zürich und stuttgart-1967.

چنان که در سال ۱۹۶۹ به زبان انگلیسی هم ترجمه شد:

The life and Works of Jahiz. Translations of selected texts, London, Routledge and Kegan Paul, London, 1969.

۸. فخر السودان علی البیضان در The Islamic Quarterly

مجلد ۲۵، ج ۱-۲، سال ۱۹۸۱.

سوم. تحقیقات (کتاب و مقاله)

۱. مقاله جاحظ در بغداد و سامرا در: Rivista degli studi orientali XXVII (1952).

ابراهیم کیلانی این مقاله را به عربی ترجمه کرد و به کتاب

[مترجم] الجاحظ فی البصره، الحاق نمود.

۲. کتاب: Le Milieu Basrien et La Formation de Gahiz.

ابراهیم کیلانی این کتاب را با عنوان الجاحظ فی البصره به

سال ۱۹۶۲ در دمشق ترجمه کرد و به چاپ رسانید.

۳. کوششی در احصای تألیفات جاحظ در: Arabica

3/1956, p.147.

۴. مقاله امامت از دیدگاه جاحظ در: Studia Islamica

مجلد ۱۵، ۱۹۶۱.

۵. مقاله جد و هزل در عصور آغازین اسلامی در: Islam-

ic studies, II// (Karachi, 1963).

۶. مقاله معانی مختلف کلمه «ادب» (Variations sur la The me

در: Correspondance d'orient, 5-6 (Bruxelle, 1964).

۷. مقاله جاحظ؛ امت‌های متمدن و عقاید دینی (al-Gahizm

Journal Asiatique در la Nation croyance religieuses)

(CLV.1967).

۸. مقاله آرای جاحظ در مورد مسیح (christologie Gahi-

Studia Islamic, 1970, Bd.31 در zienne).

۹. مقاله جاحظ و خوارج (Djahiz et les kharidjities) در: Folia Orientalia, 12-1970.

۱۰. مقاله جاحظ و مردم کشور هند، در: Etudes sur l'histoire socio-Culturelle de Islam (VII-XVE) London, 1976.

۱۱. مقاله جاحظ به مثابه پژوهنده ملل و نحل (فرقه شناس) Bulletin d'Etudes orientales (al-Gahiz heresiographie) در: tales BD.30, 1978.

۱۲. مقاله قضاوت نسل‌های پس از جاحظ در: Arabica, BD.27, 1980.

۱۳. مقاله کوششی جدید در احصای مؤلفات جاحظ در: Nuvel essia d'inventure de l'oeuvre Gahizienne. Arabica, 3/1984.

۱۴. مقاله‌ای با عنوان جاحظ در: El. Vol.III, P.386 و نیز مقاله دیگری با عنوان الحیوان در: El, Vol.III, P.312.

۱۵. مقاله‌ای با عنوان جاحظ در: The Cambridge History of Arabic Literature, Abbasid Bell-Letters. Cambridge university Press, 1990.

#### دوم. تحقیقات انسان‌شناختی

خاورشناسان آلمان-چنان چه گذشت- سهم به‌سزایی در تحقیقات عربی و اسلامی داشته‌اند و بررسی‌ها و پژوهش‌های آنها در این مجال در رویکردهای مختلف همواره تاکنون ادامه داشته است. از جمله این خاورشناسان که تحقیقی در مورد جاحظ به انجام رسانیده، خانم سوزانه اندرویتس است که آن را در سال ۱۹۷۸ به دانشگاه برلین جهت نیل به درجه فوق لیسانس ارائه داده است. عنوان این تحقیق Gesellschaftlicher Rang und ethnische legitimation نام دارد.

اهمیت این تحقیق به جهت روی‌کردی است که این خانم در آن داشته است یعنی روی‌کرد انسانی/انسان‌شناسانه در تألیفات جاحظ که در دیگر پژوهش‌هایی که درباره جاحظ و آثار او انجام

۴۹. ر. ک: صلاح‌الدین المنجد، المستشرقون الألمان، طبع بیروت، ۱۹۸۲؛

نجیب‌العقیقی، المستشرقون، الجزء الثاني، طبع القاهرة، ۱۹۶۷؛

رودی بارت، الدراسات الإسلامية فی الجوامع الألمانية، ترجمه د.

مصطفی‌ماهر، طبع القاهرة، ۱۹۶۷.



گرفته، سابقه ای ندارد. این تحقیق سعی در روشن کردن این مطلب دارد که «آثار جاحظ در عمل، انعکاس نظر و دیدگاه عناصر جامعه آن زمان از عربی و غیر عربی، ارباب و رعیت، ادیبان و عالمان و شاغلان در حرفه های مختلف و تجارت» است. و لذا چنان چه خود این خانم اظهار داشته، این تحقیق «کوششی است در تبیین این که آثار جاحظ، آینه جامعه اولیه اسلامی در تمامی جنبه های تجاری ادبی و صنایع و حرف دستی بوده که به شکلی منسجم و هماهنگ درآمده بود»<sup>۵۰</sup>.

اندرویتس معتقد است<sup>۵۱</sup> که جاحظ در پاره ای آثار خود سعی کرده که در برخی از علوم و نظام معرفتی و ادبی و دینی رایج در محافل عربی و غیر عربی آن روزگار، به نوعی احساس شک را برانگیزد و در این آثار، کوشش جاحظ در اعاده بنای معارف اسلامی به نمط و شیوه عربی نمایان است.<sup>۵۲</sup>

این پژوهش گر آلمانی در آغاز این کتاب، با درآمدی کوتاه شروع کرده و پس از تعیین موضوع، به نگارش مقدمه آن که شامل شرح حال جاحظ بوده، دست زده است. پس از آن به تبیین مکانت این نویسنده که در میان دراسات شرقیان و غربیان مورد توجه ویژه ای بوده، پرداخته است ...

این پژوهشگر در مقدمه، اشاره داشته که اهمیت آثار متنوع جاحظ صرفاً از این حیث که بیانگر محیط فرهنگی بصره و بغداد بوده نیست بلکه انعکاس محیط اجتماعی آن دو شهر نیز در آثار وی قابل اهمیت است.<sup>۵۳</sup> اضافه بر این مسئله مهم دیگری رخ می نماید و آن وحدت روش در آثار جاحظ و پرداختن مستمر به جزئیات و استطرادات زیاد و نیز اصرار زیاد جاحظ در تبیین انسجام جامعه آن روزگار است.

سوزانه اندرویتس پس از برخی آثار جاحظ به یک نتیجه روشن می رسد و آن این که جاحظ به شکلی مفصل و دقیق، اجناس مختلف قبایل و امت ها و اقلیت های جامعه اسلامی در عصر عباسی را مورد تحقیق و بررسی قرار داده است و توانسته با تعیین ویژگی های هر یک، به تفکیک آنها اقدام نماید. در این راستا اندرویتس بر دو مطلب تکیه داشته است:

۱. جاحظ به حق، نماینده سیاست مرکزی عباسیان به شمار می رود ... ؟

۲. جاحظ در عمل توانسته که گرایش های جدایی طلبانه برخی گروه ها/ طوایف در حکومت عباسی در قرن سوم هجری/ نهم میلادی را به درستی تحدید کرده و توضیح دهد و فعالیت این گروه های اجتماعی و اهداف توسعه طلبانه برخی آنها را در دولت عباسی بیان کرده است. اندرویتس پس از بررسی های

به این نتیجه قاطع می رسد که جاحظ به حق توانست طلایه دار متکلمان و جدلیان آن روزگار لقب گیرد و به تبیین انسان شناسانه گروه ها و شعوب آن زمان، توفیق یابد. این محقق در همین راستا به بررسی مسائل ذیل پرداخته است:

۱. جاحظ از تأییدکنندگان اهداف دستگاه عباسی بوده است؟
۲. تبیین مشکل اقلیات در حکومت عباسی؟
۳. بررسی آثار مکتوب جاحظ که به نحوی مربوط به مشکل اقلیات بوده و تطبیق آن با آثار دیگر ادبی معاصر وی. در این بررسی، سه تألیف از جاحظ شامل فخر السودان علی البیضان و مناقب التروک و کتاب العصادر البیان و التبیین مورد مذاقه این پژوهش گر قرار گرفته است.

اندرویتس در کتاب پس از صحبت درباره فعالیت های علمی در عصر جاحظ طی چندین صفحه از کتاب، به خود این نویسنده بی مانند و ویژگی های علمی و جامعیت او در علوم مختلف و ترجمه های وی از زبان یونانی و فارسی و هندی می پردازد و به این که جاحظ تمامی این فرهنگ ها را با هم ذوب و مخلوط کرده و در لباسی عربی ارائه کرده اشاره نموده است<sup>۵۴</sup> ...

پس از بررسی آثار جاحظ، اندرویتس به این نتیجه دست می یابد که علت غیر مستقیم تألیف این آثار «کم رنگ شدن همخوانی بین هویت تاریخی و واقعیت اجتماعی» بوده است.<sup>۵۵</sup> اما از دیدگاه این خانم دلیل مستقیم تألیف این آثار را باید در تمایل جاحظ به اختلاط انواع بشری از طریق یکسان سازی ویژگی ها و تفاوت های اقلیت ها در جامعه عباسی که آن هم با تکیه بر توانایی های تولیدی و قابلیت های مؤثر و مهارت های

۵۰. منظور از این آثار: فخرالسودان علی البیضان، مناقب التروک، کتاب العصادر البیان والتبیین است.

۵۱. اندرویتس، ص ۴.

۵۲. همان، ص ۳؛ پلا: Variations sur la Theme de l'adab, P.31.

۵۳. اندرویتس، ص ۴.

۵۴. همان، ص ۶.

۵۵. همان، ص ۱۱.

آنها به دست می آید، جست و جو کرد. ۵۶ چه ابنای بشر گرچه از جهت جنس و زبان با هم متفاوتند اما در حقایق و معانی اختلافی ندارند<sup>۵۷</sup> و جامعه ایده آل - چنانچه جاحظ متصور است - خیر و صلاح افراد مشترکش را خواهان است و نسبت به شکوفایی و احترام به آزادی آنها اهتمام دارد. این مهم جز به همبستگی کامل بین اعضای این جامعه به جهت تأمین استقرار در وهله اول و سپس توسط دستگاه حاکمیتی که آنها را هدایت کند، به دست نمی آید<sup>۵۸</sup> ... از این منظر، جاحظ آرای انسان شناختی و تاریخی خود را در مورد ویژگی ها و خصوصیت های مختلف طوایف و ملت ها عرضه داشته است. ۵۹ اندرویتس، نقطه عزیمت جاحظ در این آرا را مفهوم (امامت) دانسته که در اساس، جانبداری از خلافت عباسی را در پی داشته است.

نخستین موضوعی که مورد بررسی اندرویتس قرار گرفته، موضوع شعوبیت است که آن را در وهله اول از خلال آثار جاحظ و سپس آثار نویسندگان پس از جاحظ همچو ابن قتیبه و ابوالحسن بلاذری، مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش گر معتقد است که اوج ضدیت با شعوبی گری در آثار جاحظ و به ویژه در دو کتاب فخر السودان علی البیضان و کتاب العصادر البیان و التبیین، نمایان است. ۶۰ اندرویتس آورده:

شعوبی گری از معیارهای فرهنگی ای که سفید را بر سیاه و ایرانی را بر عرب، مسلط و حاکم می داند، برخاسته است. ایرانیان با ابزارهای خاصی در پی ریزی طرحی ریشه دار در اذهان بوده که به واسطه آن، عرب ها و سیاه پوستان را در ادنی مراتب درجه بندی ملت ها قرار دهد. ۶۱ لذا جاحظ در مقابل این اندیشه، روش ویژه ای را به کار بسته که با این روش، هیچ التزامی به دسته بندی سیاه پوستان در فخر السودان و عرب در کتاب العصاب اساس دسته بندی معروف آن زمان، ندارد و بلکه جاحظ قصدش ریشه کن ساختن این نوع دسته بندی ها بوده است. جاحظ در این راستا، مقایسه بین ملل را بر اساس استعدادها و امکانات موجود و منحصر به فرد هر یک از آنها، ممکن دانسته است و لذا هر جا ذکری از عرب و هندی ها و سیاه پوستان - که به موجب صنف بندی شعوبی در پایین ترین درجات قرار گرفته بودند - رفته با عبارات شعوب / ملل متمدن از آنها یاد کرده است که این خود یک نقد ایدئولوژیک است که در هیچ متن دیگری نیامده است.

در قسمت دوم کتاب، این پژوهشگر آلمانی به بررسی سه کتاب جاحظ یعنی: فخر السودان علی البیضان و مناقب

الترک و کتاب العصاب پرداخته است و بسیاری از فقرات این آثار را به زبان آلمانی ترجمه کرده و توضیحات و تعلیقاتی را بر آنها اضافه نموده است. در این قسمت، اندرویتس بحثی را با عنوان Die Einheit der bewohnten wet (وحدت دنیای مسکونی) آورده که نظرها را به خود جلب می کند. اندرویتس در این عنوان که با بیانی صادق و موجز به آثار یاد شده جاحظ پرداخته، در القای این مطلب است که انسان ها هر کجا باشند و هر صنف و مسلکی که دارند باز در آغاز و در پایان نیز «انسانند» و برتری اصناف بشری در استعدادها و توانایی های آنها و نه در نژاد و رنگ آنها است. و پس از بررسی و ترجمه مطالبی از آثار جاحظ که بیش از ۲۷۰ صفحه از کتاب را شامل شده، به این فرجام می رسد که روی کردهای نظری و آثار جاحظ را بایسته است که بیش از پیش مورد مذاقه و بررسی قرار داد چه جاحظ - بی شک - خواسته ها و حقوق جامعه اسلامی در عصر عباسی را تصویر کرده و به صراحت به (جهانی بودن انسانیت) ۶۲ که به همکاری های متقابل و متبادل بین ملت ها منجر خواهد شد، اشاره کرده است.

۵۶. همان، ص ۳۶.

۵۷. ر. ک: مناقب التری در رسائل الجاحظ، تصحیح عبدالسلام هارون، ص ۷۵.

۵۸. جمیل جبر، الجاحظ فی حیاته و ادبه و فکره، ص ۱۴۵.

۵۹. سوزانه اندرویتس، ص ۱۱.

۶۰. درباره جاحظ و شعوبیت از جمله ر. ک: زندگی و آثار جاحظ، ذکاوتی

فراگزول، ص ۹۲-۹۳؛ و نیز: الجاحظ و الشعوبیة، الدكتور جمال الدین

الآلوسی، مجلة الكتاب، كانون الثانی، ۱۹۶۳، ص ۲۰-۲۵؛ و نیز:

الجاحظ و الشعوبیة، هاملتون جب، دراسات فی حضارة الاسلام،

ترجمة احسان عباس و محمد یوسف نجم، بیروت، ۱۹۶۴، ص ۹۳-

۹۴؛ و نیز: الجاحظ و الشعوبیة، الدكتور عبدالحمید العلوجی، عطر و

حبر، منشورات وزارة الثقافة العراقية، ۱۹۶۷، ص ۳۸۴-۳۸۹؛ و نیز:

مظاهر الشعوبیة فی الادب، محمد نبیه حجاب، القاهرة، مكتبة نهضة

مصر، ۱۹۶۱، ص ۴۳۱-۴۵۲. (مترجم)

۶۱. سوزانه، ص ۳۴.

۶۲. همان، ص ۳۶.

سوم. آثار جاحظ در علوم طبیعی

جاحظ به طبیعت و پدیده های آن همچو جماد و نبات و حیوان و انسان توجه و اهتمام داشته است که بارزترین این کوشش ها در آثار متنوع وی خاصه کتاب الحیوان ارائه شده است. برخی از خاورشناسان به این جنبه از آثار جاحظ توجه نشان داده اند. فان فلوتن (۱۸۶۶-۱۹۰۳) ۶۳ از اولین خاورشناسانی است که به تحقیق و نشر و تحلیل در آثار طبیعی جاحظ همت گمارده و مهم ترین اثر خود در این مجال را که به بررسی کتاب الحیوان در آن پرداخته با این عنوان منتشر کرده است:

Ein arabischer Naturphilosoph im 9. Jahrhundert: al-Gahiz

یعنی: دانشمند و فیلسوفی (طبیعی) از قرن نهم میلادی: جاحظ ۶۴.

فلوتن این کتاب را در سال ۱۸۹۷ م به زبان هلندی نگاشت و سپس اسکار رشر به ترجمه آلمانی این کتاب همت گمارد و آن را در اشتوتگارت در سال ۱۹۱۸ م به چاپ رسانید. فلوتن، کتاب الحیوان را بر پایه سه محور مورد بررسی و مذاقه قرار داده شامل:

۱. تطور علمی در عصر عباسی؛
۲. شرح حال جاحظ؛
۳. علوم طبیعی در میان عرب.

فلوتن در این بررسی، با مقدمه ای آغاز می کند که در ابتدای آن این عبارت آمده: «اصل این تحقیق در حقیقت، پرداختن به این سؤال است که: وضعیت و دیدگاه عرب در مورد این علوم چیست؟ چه چیزی سبب پیشرفت این علوم در غرب شد؟ ویژگی این تأثیر چه بوده است؟»

آن گاه ادامه می دهد: «... این سؤالات و مانند آن، پاسخ های مشخصی را می طلبد با این وجود پاسخ به این دست سؤالات، آسان نبوده زیرا بیشترین این آثار از بین رفته و یا همواره در کنج کتابخانه ها، منتظر تصحیح و نشراند» ۶۵.

درست است که فلوتن مستقیماً به این سؤالات و سؤالات دیگری که در صفحات اولیه این تحقیق مطرح کرده پاسخ نداده اما در صفحات متأخر کتاب کوشیده است از خلال مناقشه با آرای برخی مستشرقین و محکوم کردن ادعای برخی دیگر - خاصه ادعاهایی که در اصل موضوع تشکیک وارد ساخته و یا سعی شده نقش عرب و مسلمانان را در علوم و تطور آن نادیده بگیرند - آنها را پاسخ گوید. در آغاز سخن از کتاب الحیوان آورده:

... اهمیت این کتاب صرفاً به جهت اهمیت محتوایی آن

نیست بلکه بدین روی است که آن از اولین آثار تراث عربی ای است که به ما رسیده است. این کتاب از زمان های دور، معروف و مشهور بوده است اما روش خاصی که نویسنده آن - جاحظ - در نگارش مواد آن به کار بسته، به عدم فهم درست این کتاب منجر شده است به نحوی که برخی از محققان و از جمله Leclerc در مورد کتاب الحیوان چنین آورده که: «این کتاب، پیش در آمدی است سرشار از اقتباسات شعری و داستانی و یا تاریخ طبیعی. و مطالبی که جاحظ بدین شکل از حیوانات بیان داشته، حکایت از عدم جدیت مؤلف و غیر علمی بودن تألیف دارد» ۶۶.

در مقابل این تشکیکی که از زبان لکلرک جاری شده، فلوتن مقابله کرده و از موضوعیت جاحظ و امانت علمی او دفاع می کند و می گوید: «من دست نوشته کتاب الحیوان را با دقت مطالعه نمودم و دیدم که این داوری به طور کلی عادلانه نیست، آن چه در این کتاب جلب توجه کرده، تعبیرات دل انگیز مؤلف است که بیان گر عقلانیت و علمی بودن مطالب بوده و به حق شایسته بحث و بررسی خواهند بود». اما با این وصف فلوتن به خوانندگان هشدار می دهد که از کتاب الحیوان نمی توان عیناً اکتشافات علمی و طبیعی را انتظار داشت اما چه بسا بتوان دیدگاه مردم آن زمان و نحوه تفکر آنها در علوم طبیعی و حیوان شناسی را دریافت. هم اکنون محورهای سه گانه تحقیق فلوتن در مورد کتاب الحیوان را بررسی می کنیم:

اول. تطور علمی در عصر عباسی

فلوتن هم چنین در خلال رد نظریات خاورشناس دیگر یعنی

۶۳. برای شرح حال فلوتن ر. ک: المستشرقون، نجیب العقیقی، ج ۲، ص ۶۶۲.

۶۴. اهتمام جاحظ به طبیعت و توصیف عناصر آن، دی بور را بر آن داشته که از جاحظ به عنوان فیلسوفی فیزیکدان یاد کند. ر. ک: دی بور، تاریخ

الفلسفة فی الاسلام، ترجمه عبدالهادی ابوریة، ص ۸۸.

۶۵. فلوتن، ص ۴.

۶۶. همان، ص ۶۶.

E. Renan،<sup>۶۷</sup> از موضوع پیش رفت و تحول علمی در عصر عباسی سخن رانده است و آورده: «بسیار گفته می شود که عرب ها در مجال علوم طبیعی مستقلاً کاری از خود ارائه نکرده اند و تلاش های علمی آنها انفعالی بوده یعنی تمامی این تلاش ها در حد تلقی و اخذ از کارهای دیگران بوده است». پس از آن فلوتن برخی آرای رنان که در آن سامی ها و عرب ها را به عقب ماندگی علمی متهم ساخته را، عرضه داشته و به نقد می کشد. رنان در این آرا، انسان عربی را به فرار از پاسخ گویی به جواب مشخص در یک گفتمان، متهم می کند و می گوید که در عوض آنها به عبارت الله اعلم پناه می برند ...

سپس فلوتن به مناقشه با آرای خاورشناس دیگر به نام مایر<sup>۶۸</sup> که به مانند رنان، اندیشه اسلامی و عربی را انفعالی و سلبی دانسته برخاسته است، مایر این ناتوانایی علمی عرب ها را به دین اسلام انتساب داده و گفته: «انسان عرب، دارای فطرت و سرشت علمی نیست و این به دین وی، باز می گردد ...».

فلوتن در بسیاری از جاها در این کتاب از اعراب و مسلمانان دفاع کرده و انفعالی بودن آنها و عدم استقلال در عرصه های علمی آنها را منکر شده است. در این راستا وی برخی شواهد و دلایلی که مبتنی بر خود فرهنگ اسلامی بوده را به دست داده است از جمله:

۱. در میان قصص عرب و مسلمانان، معرفت و شناخت آنها به علوم مختلف، نمایان است.

۲. در میان عرب ها، شناخت و معرفت علمی که از داخل خود آنها جویشیده و از خارج به آنها تحمیل نشده وجود دارد که مؤید آن ارتباط تنگاتنگ آنها با طبیعت است. فلوتن، آگاهی آنها از ستاره و ستاره شناسی را مثال می زند.

۳. شناخت مسلمانان از کواکب و باران سنجی.

۴. دلیل دیگر این که جاحظ، به عنوان پشتوانه معلومات خود، از معلومات عرب در مورد حیوان و حیوان شناسی بهره برده است.

۵. شواهد شعری از زمان های مختلف حاکی از وجود علوم طبیعی و فلکی در میان عرب ها است.<sup>۶۹</sup>

۶. وجود تعداد بی شماری از کلمات و اصطلاحات موجود در معاجم همچو اسماء حیوانات و نباتات و ستاره ها.

پس از مناقشات بسیار با آرای مذکور، فلوتن به فرقه هایی که با روی کردهای مختلف در آن زمان به وجود آمده (منظور دهریه و سنت و معتزله) اشاره می کند. فلوتن گویی از این رهگذر، خواسته در مورد معتزله و آرا و افکار و تأثیرات آنها بر

آرای علمی و فکری جاحظ، به بحث پردازد.<sup>۷۰</sup> وی چنین آورده: «آرای عقیدتی معتزله، سرآمد بود اما آنها به برخی قضایای علم طبیعی نیز روی آوردند». فلوتن معتقد بود که متکلمان در مناقشه با برخی موضوعات علوم یونانی و از جمله علوم طبیعی / فیزیکی، از ارائه توضیحات پیرامون این موضوعات، ناتوان ماندند. موضوعاتی چون ذره، ویژگی های فیزیکی عناصر، روح، مشکلات روحی، معرفت ذاتی. فلوتن، در عوض آرای متکلمان در موضوعاتی چون آتش، اتحاد عناصر و ... را متمایز خوانده است. فلوتن گویی، با این مقدمه خواسته در مورد جاحظ بگوید. چنان که پس از آن مستقیماً آورده: «از کسانی که در موضوعات یاد شده نظریاتی دارند، فیلسوف و دانشمندی است که تمسک او به اسلام و ایمان به قرآن نازل شده بر محمد (ص) او را از علوم یونانی و خوض و بررسی در آنها، منصرف نکرد. این فیلسوف عالم همان جاحظ است»<sup>۷۱</sup>.

### دوم. شرح حال جاحظ

در بخش دوم کتاب، فلوتن به شرح حال جاحظ و زادگاه و

۶۷. برای شرح حال رنان فیلسوف (۱۸۲۳-۱۸۹۲) ر. ک: المستشرقون، همان، ج ۱، ص ۲۰۲-۲۰۳.

۶۸. مایر، رئیس آکادمی علوم شرق در قدس؛ برای ترجمه او ر. ک: المستشرقون، همان، ج ۲، ص ۶۲۸.

۶۹. فلوتن، ص ۱۲.

۷۰. درباره جاحظ و اندیشه معتزلی او از جمله ر. ک: ضحی الاسلام، احمد امین، القاهرة، الطبعة السادسة، ۱۹۶۱، ج ۱، ص ۳۸۶-۴۰۲ (الجاحظ المعتزلی)؛ و نیز: المعتزله، زهدی جار الله، القاهرة، مطبعة مصر، ۱۹۴۷، ص ۱۴۵-۱۴۸؛ و نیز: الفهمة بين الاشاهرة والمعتزله، هاشم معروف الحسینی، دار النشر للجامعین، بیروت، ۱۹۶۴، ص ۱۴۰ به بعد؛ و نیز: اعتزال الجاحظ، عبدالغنی الدقر، مجله المجمع العلمی السری، دمشق، المجلد ۲۸، ص ۵۷۵-۵۹۱؛ و نیز: ادب المعتزله الى نهاية القرن الرابع الهجری، همان؛ و نیز: الفكر الاسلامی بین الامس واليوم، محبوب بن میلاد، ص ۲۰۶-۲۶۵. (مترجم)

۷۱. فلوتن، ص ۱۴.

اصل و نسب او و ارتباطات او در بصره و بغداد پرداخته است. فلوتن سبب گرایش و علاقه جاحظ به علم طبیعت را استادش نظام دانسته است.

### سوم. علوم طبیعی در میان اعراب

علمی که اهتمام جاحظ به گونه‌ای بر آن متمرکز بوده، چنانچه فلوتن آورده شامل علوم ذیل اند:

۱. طب. فلوتن معتقد است که جاحظ نسبت به طب، مطمئن و معتمد نبوده زیرا از نظر جاحظ این علم به عقل هیچ اعتباری نداده است. لذا جاحظ در این زمینه دو کتاب/رساله نگاشته و در آن خطای علم طب در شفا دادن و نظر متکلمین در این زمینه را بیان داشته است. رازی و ابن مندویه در دو کتاب خود از این دو اثر جاحظ یاد کرده‌اند. ۷۲

سپس فلوتن روایت ابن اصبیعه در مورد مرگ جاحظ که به دلیل خوردن شیر و ماهی (با هم) رخ داده آورده و آن را مخالف نظر ابن ماسویه طبیب و ابن بختیشوع طبیب، دانسته است. این حادثه دلیل بر عدم تسلیم جاحظ در برابر آرای اطبا و عدم وثاقت نسبت به نظرات آنها است.

۲. موضوع/علم دیگری که جاحظ به آن پرداخته معدن شناسی است. و در مقدمه الحیوان در خلال پرداختن به معدن شناسی و معادن، موضوعاتی چون (ماده زمین، استواری و سیلان، معادن دستی و طبیعی، رنگ‌ها و تلطیف) را مطرح کرده است.

۳. بررسی باران‌ها، ستارگان و سیارگان.

۴. گیاه/گیاه‌شناسی.

۵. حیوان‌شناسی.

فلوتن منابع جاحظ در کتاب الحیوان را، دانشمندان، بیابان، سرشناسان طایفه، خلفاء، فروشندگان سبزیجات، قصاب‌ها و منابع تاریخی برشمرده است. فلوتن هم چنین اثر یونانیان در کتاب الحیوان را بسیار ضعیف دانسته است و تعداد ارجاعات و اشارات جاحظ به ارسطو در این کتاب را ۳۰ مورد ذکر کرده گرچه به نام ارسطو اشاره صریحی نداشته است.

فلوتن پس از این به ارائه ملاحظاتی در این باره می‌پردازد:

۱. نگرش جاحظ به وحدت طبیعت - در تمامی موجودات آن - با نگرش دانشمندان کنونی به تمام شباهت دارد.

۲. عرب‌ها طبیعت را از نزدیک درک کردند به شکلی که از درک کنونی ما کمتر نبوده است.

۳. نکته سومی که فلوتن به آن تظن یافته: اهتمام جاحظ به

جنبه روانی (خصیان/خواجه‌ها) و تغییرات ظاهری که در آنها به وجود می‌آید است. جاحظ رفتار آنها را به شکل دقیق توصیف و تشریح کرده که حکایت از روح علمی مبتنی بر نگرش ظریف و ماهرانه او دارد<sup>۷۳</sup> ...

پس از این فلوتن به سهم جاحظ در ایجاد حرکت فرهنگی توسط شخصیت‌های بزرگ فرهنگ اسلامی همچو کندی، فارابی، بیرونی و ابن سینا می‌کند<sup>۷۴</sup> ... نیز کتاب الحیوان جاحظ را نقطه عزیمت آن حرکت فرهنگی برشمرده و جاحظ را در این که روش علمی خاصی را برای خود و آیندگان برگزیده، صاحب فضل دانسته است ...

### آثار فلوتن در مجال تصحیح و تحقیق تالیفات جاحظ

#### در تصحیح و نشر:

۱. کتاب البخلاء، با تصحیح وی در سال ۱۹۰۰ در لیدن

هلند انتشار یافت.

۲. رساله فی النابتة، که آن را در آثار یازدهمین کنفرانس

بین المللی خاورشناسان (قسمت سوم) در سال ۱۸۹۸، به چاپ

رساند.

۳. المحاسن والاضداد و العجائب والغرائب، (با مقدمه

فرانسه) که در سال ۱۸۹۴ در لیدن هلند منتشر کرد. پس از آن

اسکار رشر آن را به آلمانی ترجمه کرد.

۴. سه رساله از جاحظ: که آن را در مجموعه‌ای در لیدن به

سال ۱۹۰۳ انتشار داد شامل:

الف. التریب و التدویر؛

ب. رساله الی الفتح بن خاقان فی مناقب التروک و عامه

جند الخلافة؛

ج. فی ذم اخلاق الکتاب.

۷۲. همان، ص ۱۷؛ این دو کتاب الحاوی فی الطب (از رازی) و الطبیخ و

اصلاح الاغذیه (از ابن مندویه، مخطوط در کتابخانه ملی برلین) است.

۷۳. فلوتن، ص ۳۹-۳۷.

۷۴. همان، ص ۲۴.

این سه رساله در مجله آسیایی بریتانیا در سال ۱۹۱۵ به زبان انگلیسی و در سال ۱۹۲۵ به آلمانی ترجمه شد. ۷۵

#### در مجال تحقیق

در عرصه تألیف و تحقیق، همین کتاب مورد بررسی در این مقاله را از خود بر جای نهاده است. فلوتن این کتاب را به زبان هلندی و به سال ۱۸۹۷ نگاهشته است. اسکار رشر کتاب را در سال ۱۹۱۸ به زبان آلمانی ترجمه کرد.

#### آرای دیگر در مورد جاحظ

تعداد دیگری از خاورشناسان، علاوه بر افرادی که از آنها یاد کردیم در خلال کتاب‌ها و تحقیقاتی که حول فرهنگ عربی اسلامی نگاهشته‌اند هر از گاهی به جاحظ و آثار او توجه و اشاره داشته‌اند. در این بین برخی به مقام علمی و اطلاعات وسیع جاحظ اعتراف کرده و برخی نیز شکاکانه ولی با ارائه توجیحات و دلایلی به موضوع پرداخته‌اند در اینجا مناسب دیدم که اشاره‌وار به برخی از این نظرات نگاهی بیندازیم.

از جمله خاورشناسانی که به ایجاز از جاحظ یاد کرده‌اند، کارل بروکلمان در کتاب مشهورش تاریخ الادب العربی (ترجمه عربی ۱۰۷/۳) است، در جایی که به ترجمه جاحظ پرداخته چنین می‌گوید «جاحظ در انواع فنون علم مهارت داشته و در علوم طبیعت و... صاحب نظر بوده و تجارب شخصی زیادی را در این مباحث ارائه کرده است گرچه مشهور است که وی در این زمینه از کتب و آثار دیگر بهره فراوان برده است»<sup>۷۶</sup>.

از این عبارت بروکلمان چنین برداشت می‌شود که او در ابداع و نوع آوری جاحظ تردید دارد و استناد و اعتماد جاحظ به آثار متقدمان را تقبیح کرده است در حالی که این شیوه در آن زمان بسیار رایج بوده است... بروکلمان از این فراتر رفته و نوشته: «هدف جاحظ از ممارست و کثرت در تألیف و تصنیف، سرگرم کردن و داستان‌سرایی و گپ‌زنی بوده تا تعلیم و آموزش»<sup>۷۷</sup>. لیکن بروکلمان فراموش کرده که بسیاری از آن‌چه انسان از این دست مطالب می‌نویسد چه بسا اگر به قصد ارائه فواید علمی و عمیق‌تر باشد خود، همان علم محسوب می‌شود و بدون شک جاحظ نیز هدفش همین بوده است. و این چیزی است که برخی از همین مستشرقین - چنان‌چه گذشت - به آن تصریح داشته‌اند. در اینجا گفته‌های هامیلتون گیپ به عنوان ردی صریح بر گفته بروکلمان کفایت می‌کند که نوشته است: «شکی نیست که

جاحظ موضوعات و مطالبش را به جهت لذت و فرح بخشی خاصی، گزینش کرده است اما در همان وقت همین موضوعات برای اهداف مشخصی مطرح شده است گرچه بسیار مجهول و مخفی بوده‌اند»<sup>۷۸</sup>...

پدیده استطراد (/شاحه به شاخه شدن) در آثار جاحظ موضوعی است که در آثار غربیان جاحظ پژوه، هم اثرگذار بوده است. آنها در این مقوله جانب احتیاط را گرفته و نقدهای آنها صبخه انکار و اعجاب، داشته است زیرا آنها استطراد در آثار جاحظ را به درستی درک نکرده‌اند گرچه برخی کوشیده‌اند توجیهی برای این پدیده بیابند. مثلاً آدام متر به استطراد جاحظ خرده می‌گیرد ولی بلافاصله این پدیده را توجیه کرده می‌گوید: «اسلوب جاحظ، نو و بی سابقه بوده و در بسیاری از آثار، یاهه گویی و از این شاخه به آن شاخه پریدن تا حد ملالت آوری مشاهده می‌شود. ولی این موضوع اتفاقاً موجب لذت خوانندگان آثار جاحظ شده است. اینها، کثرت استطرادات جاحظ را در حقیقت زنگ استراحتی در خلال مطالب علمی و جدی او دانسته و یاهه گویی و افتنان را از فوننی دانسته که جاحظ تعمداً از آن بهره برده است»<sup>۷۹</sup>...



۷۵. ر. ک: المستشرقون، همان، ج ۲، ص ۶۶۲-۶۶۳.

۷۶. کارل بروکلمان، تاریخ الادب العربی، ج ۳، ص ۱۰۷.

۷۷. همان، ج ۲، ص ۱۰۷.

۷۸. هامیلتون گیپ: Studies on The Civilization Of Islam, P.67.

۷۹. آدم میتز، الحضارة الإسلامية، ترجمة عبدالهادی ابوریدة، ص ۴۴۳؛ هم چنین در صفحه ۴۷۲ این کتاب آورده که جاحظ مؤسس شیوه‌ای نوست که در آن جد و هزل را با هم درآمیخته است و او را در این مقام به ولتر شبیه دانسته است، ص ۳۷۶. [برای تفصیل بیشتر ر. ک: بین فولتیر و الجاحظ، الدكتور احسان النص، مجلة الثقافة القاهرة، العدد ۱، ۱۹۳۹. (مترجم)]